

اعتبارسنجی استناد به معاهدات بین‌المللی در دعاوی خانواده

توکل حبیب‌زاده*

وحید حیدری**

مشخصات رأی بدوی

شماره دادنامه بدوی: ۹۷۲۹۱۱

تاریخ صدور رأی بدوی: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵

مرجع رسیدگی بدوی: شعبه ۴ دادگاه خانواده‌ی شهرستان قائم‌شهر

مشخصات رأی تجدیدنظر

شماره دادنامه تجدیدنظر: ۹۸۰۹۹۷۱۵۱۶۵۰۰۰۷

تاریخ صدور رأی تجدیدنظر: ۱۳۹۸/۰۳/۰۷

مرجع رسیدگی تجدیدنظر: شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران

خواسته: منع اشتغال زوجه در محل دفتر معاینه فنی خودرو

چکیده

نظام حقوقی حاکم بر دعاوی خانواده نظامی است که از قوانین و مقررات و احکام داخلی نشئت می‌گیرد. در حل و فصل دعاوی مربوط به این امور نیز انتظار می‌رود که محاکم بر قوانین احوال شخصیه حقوق داخلی تکیه کرده و استنادات را مبتنی بر آن بیان کنند. اما اگر قرار است اشاره‌ای هم به اسناد بین‌المللی رخ دهد، باید با در نظر گرفتن قیودی همچون ضرورت و مفید فایده بودن باشد، که البته با توجه به کفایت و غنای قوانین خانواده، اصل و ضرورت استناد به اسناد حقوق بشری در این دعاوی مورد تردید است.

واژگان کلیدی: دعاوی خانواده، اسناد بین‌المللی، معاهدات، حقوق بشر

۱. وقایع پرونده

شعبه ۴ دادگاه خانواده شهرستان قائم‌شهر طی حکمی به شماره دادنامه ۹۷۲۹۱۱ در مورخه ۱۳۹۷/۱۲/۱۵ که خواهان در آن درخواست خود را مبنی بر منع زوجه‌اش از اشتغال در محل دفتر معاینه فنی خودرو، به دلیل تغایر آن با حیثیت اجتماعی و تعارض آن با امر تربیت فرزندان مطرح نموده بود، رأی خویش بر ممانعت از اشتغال خوانده را اعلام نمود. خوانده ضمن تجدیدنظرخواهی از رأی صادره نزد دادگاه تجدیدنظر استان، خواهان نقض دادنامه بدوی می‌گردد. در این میان شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان با ارائه ادله‌ای، رأی دادگاه بدوی را نقض نموده که با تأملی می‌توان این ادله را به دو دسته تقسیم کرد:

الف) ادله‌ی مبتنی بر اصول و قواعد حقوق بشر

ب) ادله‌ی مبتنی بر حقوق خانواده و مدعیات خواهان

۱.۱. ادله مبتنی بر اصول و قواعد حقوق بشر

۱.۱.۱. بنیادین بودن حق متنازع‌فیه

دادگاه تجدیدنظر حق کار و اشتغال و انتخاب شغل و برخورداری از حقوق یکسان بین زنان و مردان را از حقوق بنیادین بشر می‌داند.

۲.۱.۱. تأکید نظام حقوقی اسلام و حقوق داخلی بر حق زوجه

شعبه محترم ۱۲ تجدیدنظر ضمن تأکید بر تجویز نظام حقوقی اسلام در زمینه حق مشارالیه در بند پیشین، معتقد است که در حقوق داخلی موادی همچون اصول ۲۰، ۲۲ و ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۶ قانون کار مصوب ۱۳۶۸ بر حق کار و اشتغال و انتخاب شغل و برخورداری از حقوق یکسان بین زنان و مردان دلالت دارند.

۳.۱.۱. مستندات بین‌المللی

در استنادات دادنامه تجدیدنظر به اسناد بین‌المللی این‌گونه آمده است که «بند ۱ ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸ و ماده ۱۳ اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب سال ۱۹۹۰ قاهره و اعلامیه حقوق بنیادین کار مصوب سال ۱۹۹۸ و ماده ۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و

سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶ و قسمت الف بند ۱ ماده ۱ و ماده ۲ مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ مصوب سال ۱۹۵۸ سازمان بین‌المللی کار که دولت ایران بدون حق شرط (تحفظ) آن را پذیرفته و بدان ملحق شده که وفق ماده ۹ قانون مدنی ایران در حکم حقوق داخلی است بدان حقوق تصریح و تأکید دارند و مفاد کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی ۱۹۶۵ بر رعایت مساوی حقوق اشخاص دلالت دارد و نیز دولت ایران بعد از استقرار جمهوری اسلامی ایران، نه تنها میثاق و دیگر اسناد لازم‌الاجرا یادشده را رد نکرده و خروج خود را از عضویت در آن‌ها اعلام ننموده و شورای نگهبان قانون اساسی نیز بر غیرشرعی بودن آن‌ها اظهارنظر نکرده بلکه سیاست کلی نظام بر تعامل و همکاری با ارکان ناظر آن‌ها بوده و جمهوری اسلامی ایران همچون دیگر اعضای ملل متحد متعهد شده است که اسناد الحاقی یادشده را اجرا نماید، همچنان که در اعلامیه کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر ۱۹۶۸ تهران، اعلامیه برنامه اقدام عمل ۱۹۹۳ وین، کنفرانس توسعه اجتماعی ۱۹۹۸ کپنهاک، اعلامیه ۱۹۹۵ پکن و اعلامیه هزاره ۲۰۰۰، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دولت‌ها از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران برای اجرای عملی تعهدات بین‌المللی خویش در خصوص حقوق زنان تأکید مجدد نمودند.»

۲.۱. ادله ناظر به حقوق خانواده و مدعیات خواهان

۱.۲.۱. عدم ارائه ادله مبنی بر خلاف حیثیت اجتماعی بودن اشتغال زوجه

در نظر دادگاه زوج مدرک و دلیلی بر این‌که کار کردن زوجه وی در مرکز معاینه فنی موجب خدشه وارد کردن به حیثیت اجتماعی‌اش است و یا این‌که اخلال در روند جاری زندگی به وجود آورده و مانع از انجام تکالیف مقرر در ماده ۱۱۰۲ و ۱۱۰۴ قانون مدنی می‌شود، نیاورده و این ادعای خویش را بی‌پشتوانه و بدون دلیل محکمه‌پسند مطرح کرده است.

۲.۲.۱. رد ادعای مرد در مورد محل کار زن

با انجام تحقیقات معموله از سوی مرجع انتظامی، ادعای زوج در مورد مردانه

بودن محیط کار رد شده چرا که در آن محل زنان نیز مشغول کار می‌باشند، علاوه بر آن میان کارفرما و زوجه رابطه فامیلی برقرار است.

۲. بررسی و نقد دادنامه صادره

آن چه از دادنامه‌ی صادره از سوی دادگاه تجدیدنظر به‌طور دسته‌بندی قابل ارائه بود، از نظر گذشت. حال برای بررسی و نقد مفاد ادله مورد استناد شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران باید به همان صورت و ساختاری که ادله ارائه شده‌اند، پرداخت. پس نقد این رأی هم در دو قسمت خواهد بود که در بخش (الف) به جهت این که به دنبال اعتبارسنجی استناد به معاهدات بین‌المللی در دعاوی با موضوع حقوق خانواده است و اساساً موضوع نوشته پیش رو را تشکیل می‌دهد، تمرکز بیشتری خواهد داشت و در بخش (ب) استنادات دادگاه محترم در ترازوی نقد قرار خواهد گرفت.

۱.۲. نقد ادله مبتنی بر حقوق بشر

۱.۱.۲. ماهیت دعاوی خانواده و جایگاه اسناد بین‌المللی در آن‌ها

خانواده نهادی مهم در هر جامعه محسوب می‌شود که به‌گونه‌ای زیربنای پیشرفت و بالندگی آن جامعه را تشکیل می‌دهد و هر اجتماعی بنا بر ارزش‌ها و مبانی فکری و اعتقادی خویش به وضع قوانین و تنظیم حدود در این زمینه دست می‌زند (نظری، ۱۳۸۶: ۷۶). در جامعه ایران بنا بر انتساب قوانین به شرع و سایه‌اندازی احکام اسلامی بر قوانین موضوعه، مقررات و قوانین ناظر به خانواده نیز همچون سایر بخش‌های حقوق از گزاره‌های شرعی اثر پذیرفته (غفاری، ۱۳۹۱: ۱۰۷) و بلکه ترجمان حقوقی آن‌ها به شمار می‌روند. بدین ترتیب، اساس تفسیر این قوانین نیز باید با توجه به خاستگاه آن‌ها صورت بگیرد و گرنه شاهد تعارضی عمیق در عین توافق سطحی و شکننده خواهیم بود و این عمل استقلال تقنین در حوزه حقوق داخلی را متزلزل خواهد کرد. لذاست که در زمینه حقوق خانواده و دعاوی مربوط به آن - با رعایت قید احوال شخصی بودن آن - استنادات به حقوق داخلی و قوانین بومی کفایت کرده و بلکه ضروری است. در حالی که ضرورت در استناد به مفاد

معاهدات بین‌المللی محرز نبوده و اساساً استناد موجهی به شمار نمی‌رود چرا که استنادات در یک پرونده باید عاری از قید "زائد بودن" و "بیهوده بودن" بوده و اثر مفیدی بر سیر دادخواهی داشته باشد.

به موجب اصل ۱۶۶ قانون اساسی، احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی باشند.^۱ بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی نیز "قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتوای معتبر حکم قضیه را صادر نماید ...". بنابراین، اصل ۱۶۶ و نیز ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی^۲ اجازه استناد به اصول حقوقی را به قاضی داده است. از طرف دیگر، از آن‌جا که اصول حقوق بشری به دلیل جنبه اعلامی آن‌ها، اصول حقوقی تلقی می‌گردند، امکان استناد به آن‌ها در محاکم داخلی وجود دارد (زمانی، ۱۳۹۷: ۲۳). با این حال، در مورد امکان استناد به اسناد بین‌المللی حقوق بشری در محاکم داخلی ملاحظات عدیده‌ای وجود دارد.

برخی از مفاد اسناد حقوق بشری به دلیل مبهم بودن و کلی‌گویی، برای مثال مفهوم برخورداری کودک از سطح متناسب زندگی،^۳ از دسته قواعد غیرقابل اجرا محسوب شده و برای قابل استناد بودن در محاکم داخلی نیازمند قانون اجرایی

۱. اصل ۱۶۶ قانون اساسی: "احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده باشد."

۲. ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی: "قضات دادگاه‌ها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند والا مستتکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد."

۳. بند ۱ ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک با عنوان (استاندارد و سطح زندگی) مقرر می‌دارد: "۱) حکومت حق کودک را برای داشتن سطحی از زندگی که متناسب با موقعیت و رشد روحی، جسمی، قومی و اجتماعی اوست، به رسمیت می‌شناسد."

این بند از کنوانسیون توسط شورای دولتی فرانسه غیر خوداجرا محسوب شده است.

CE Sect. 23 avril 1997, Affaire G.I.S.T.I., Rec. p. 142, concl. R. ABRAHAM, cite in Trienbach Melanie, Les Normes Non Directement Applicable en Droit Public Français, These de doctorat, soutenue a l'Université de Strasbourg, 24 Sept. 2012, p. 105.

هستند. در برخی از نظام‌های حقوقی، مانند نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، معاهدات به دو دسته خوداجرا و غیر خوداجرا تقسیم می‌شوند که صرفاً دسته اول قابل استناد در محاکم هستند، اما دسته دوم برای ورود در حقوق داخلی نیاز به قانون یا مقرره داخلی دارند.^۱

از سوی دیگر، چنان‌چه در حقوق داخلی قوانین و مقررات کامل‌تر و دقیق‌تری در موضوع پرونده نزد دادگاه وجود داشته باشد، استناد به مفاد معاهدات بین‌المللی موجه نخواهد بود، مگر آن‌که اسناد موردنظر به عنوان مکمل و تفسیرکننده مقررات داخلی مورد استفاده قرار بگیرند. لذا در استناد موجه به معاهدات بین‌المللی باید نکات زیر مورد توجه باشد:

نکته اول این است که باید بین معاهده بین‌المللی مورد استناد و موضوع یک پرونده ارتباط مشخصی وجود داشته باشد. معاهدات الحاقی ایران که به موجب ماده ۹ قانون مدنی "در حکم قانون" تلقی می‌شوند،^۲ علی‌الاصول زمانی می‌توانند مورد استناد محاکم باشند که برای حل و فصل اختلاف بین طرفین پرونده مناسب

۱- در این زمینه رک. به:

Trienbach Melanie, op.cit.; Vázquez, Carlos Manuel, "The Four Doctrines of Self-Executing Treaties", Georgetown Law Faculty Publications and Other Works, 1016, 89 Am. J. Int'l L. 695-723 (1995), p. 695, available at: <https://scholarship.law.georgetown.edu/facpub/1016>

۲- در مورد آثار تصویب معاهدات و اجرایی سازی آن‌ها در حقوق داخلی ایران و تفاسیری که از ماده ۹ قانون مدنی به عمل آمده، بین اندیشمندان این عرصه اختلاف نظر زیادی وجود دارد. برای مطالعه بیشتر رک. به:

- فلسفی، هدایت الله (۱۳۷۳)، اجرای مقررات حقوق بین‌الملل، تحقیقات حقوقی، شماره ۱۳-۱۴، ص ۹۸-۲۹.

- ایزدی، علی (۱۳۹۴)، نگاهی تطبیقی به اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم ملی، مطالعات حقوق عمومی، شماره ۳، ص ۴۹۷-۵۲۹.

- هاشمی، حمید (۱۳۸۸)، اجرای تعهدات بین‌المللی در نظام قضایی ایران: محدودیت‌ها، ظرفیت‌ها، پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۵، ص ۲۲۹-۲۵۸.

- خمایی‌زاده، فرهاد (۱۳۸۹)، تفسیر و اجرای معاهده در حقوق داخلی، حقوق خصوصی، شماره ۱۶، ص ۳۳-۵۲.

- گزارش میزگرد تخصصی، تحلیل آراء صادره از محاکم دادگستری با استناد به اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهیه و تنظیم: کیوان اقبالی، ناظر: دکتر توکل حبیب‌زاده، پژوهشکده حقوق عمومی و بین‌الملل (گروه حقوق بین‌الملل و حقوق بشر)، پژوهشگاه قوه قضائیه، اسفند ۱۳۹۷.

بوده باشند. بنابراین، چنان‌چه حکم قضیه در پرونده‌ای بر مبنای قوانین داخلی مشخص باشد، استناد به معاهده بین‌المللی موردنظر استناد موجهی نخواهد بود. از سوی دیگر، با توجه به ضرورت تصویب معاهدات بین‌المللی حقوق بشری در مجلس شورای اسلامی به موجب اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، مفهوم ماده ۹ قانون مدنی در چارچوب مبانی و اهداف نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، صرفاً محدود به معاهداتی است که با این مبانی و اصول مغایرت نداشته باشند.

نکته بعدی، لزوم توجه به نقش دادرسی قاضی است. قاضی اصولاً نباید درصدد ایفای نقش قوه قانون‌گذاری برآید، بلکه تکلیف قاضی اجرای قصد و نیت قانون‌گذار است. اگرچه قاضی از اختیار تشخیص قانون حاکم برخوردار است، اما استناد به یک قانون یا مقررره باید مستدل و موجه باشد. در باره استناد به معاهدات بین‌المللی تا زمانی که به یک قاعده داخلی تبدیل نشده باشند، نزد محاکم داخلی قابل استناد نخواهند بود. یکی از صاحب‌نظران در این خصوص می‌نویسد:

"... چنان‌چه موضوع معاهده متضمن انجام عمل حقوقی معینی باشد، رکن قانون‌گذاری باید وسایلی فراهم کند که آن معاهده به صورت قاعده حقوق داخلی درآید، در غیر این صورت، چنان معاهده‌ای در حوزه اقتدارات سیاسی دولت باقی می‌ماند و در نتیجه نمی‌تواند در مراجع قضایی داخلی مورد استناد قرار بگیرد" (فلسفی، ۱۳۷۳: ۳۵).

این نکته هم قابل توجه است که آرای قضایی به نوعی منعکس‌کننده مواضع دولت در یک موضوع است، لذا استناد قضات به معاهدات بین‌المللی ممکن است در ارکان نظارتی حقوق بشری در قالب اصل استاپل قابل استناد علیه جمهوری اسلامی ایران باشد. پس قضات محترم دادگاه‌ها باید در استناد به اسناد بین‌المللی جانب احتیاط در پیش گیرند.

با توجه به نکات فوق، در پرونده مورد نقد این نوشته و پرونده‌های شبیه بدان اساساً استناد به معاهدات ضرورت و توجیه قابل قبولی نداشته است. در نتیجه اشکالی که از این حیث به رأی دادگاه تجدیدنظر وارد است، عبارت از این است که استناد به اسناد بین‌المللی در متن رأی موجه نبوده و در صورت اثبات حق متنازع‌فیه برای زوجه بر مبنای حقوق داخلی، حداکثر حضور این اسناد در متن رأی از باب تأیید قوانین داخلی خواهد بود.

۲.۱.۲. پذیرش مشروط معاهدات

در مواردی که معاهدات بین‌المللی با اعلام شرط پذیرفته می‌شوند، باید به آثار مترتب بر شرط یا شروط اعلامی توجه شود. شروط اعلامی بر معاهدات حقوق بشری عمدتاً با توجه به مبانی و اهداف نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و به موجب اصل ۴ قانون اساسی صورت می‌گیرد. بنابراین، سوالات چندی در مواجهه با استناد محاکم به معاهدات مصوب یا الحاقی همراه با اعلام حق شرط مطرح می‌شود.

قصد و نیت قانون‌گذار از اعلام شرط بر معاهده مربوط چه بوده است؟ در هنگام تعارض مفاد اسناد فراملی با قوانین داخلی، موارد مدنظر چگونه باید تفسیر شوند؟ آیا این که معاهداتی قبل از انقلاب اسلامی بدون اعلام شرط پذیرفته شده‌اند، برای غالب دانستن آن‌ها در حقوق داخلی بر قوانین متعارضشان کافی است؟^۱ و یا این که باید مبانی و اهداف نظام حقوقی حاکم بر قوانین داخلی را سنجیده و مورد بررسی قرار داد؟ بدیهی است که قاضی برابر وظیفه خطیری که به عهده‌اش نهاده می‌شود، می‌تواند به تفسیر قضایی قانون برای اجرای هر چه بهتر آن و اجرای عدالت تمسک جوید. ولی باید تفسیر و برداشت قضایی با مبانی و اهداف نظام حقوقی حاکم بر قانون مطابق باشد، که به نظر می‌رسد، در پرونده موردنظر در این نوشته رعایت نشده است، چرا که برداشت از قانون اساسی و اصول مورد استناد در اسناد بین‌المللی از سوی قاضی با "حق بر ممانعت زوجه از سوی زوج" تعارض پیدا می‌کند نه مصداق آن. به عبارت دیگر، از قضا در این پرونده عدم توانایی زوج در اثبات خلاف حیثیت اجتماعی بودن شغل زوجه با استنادات دادگاه تجدیدنظر هم مسیر و هم‌قطار شده‌اند. لکن آن جایی که حکم ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی بر مصداق تطبیق یابد و ثبوت مدلول آن با اثباتش قرین شود، چه باید کرد؟ آیا باید با غایت اسناد بین‌المللی همراه شد و بدون توجه به اصل ۴ قانون اساسی به نظام حقوق داخلی پشت پا زد یا تقدم قانون داخلی و ارجحیت آن را پذیرفت؟

۱. اگرچه میثاقین بین‌المللی حقوق بشر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بدون شرط پذیرفته شده‌اند، اما لزوم توجه به مبانی و اهداف نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به موجب اصل ۴ قانون اساسی، این نکته را یادآوری می‌کند که همچنان بحث اختیار شورای نگهبان در ارزیابی معاهدات بین‌المللی تصویب شده در دوره قبل از انقلاب با اصول قانون اساسی پابرجاست.

این‌ها سوالاتی است که در خصوص استناد به اسناد بین‌المللی مطرح است و دادگاه محترم تجدیدنظر در این رأی و نیز آرای دیگر از این سنخ از ورود به این مباحث اجتناب نموده است، درحالی‌که انتظار می‌رود در تفسیر قضایی از متون مورد استناد باید به ابهامات مربوط پاسخ داده شود.

۲.۱.۲. ناتمامی دلالت استناد به نظام حقوقی اسلام و قانون اساسی

دادگاه محترم در متن دادنامه و در خلال طرح ادله خویش مبنی بر قبول تجدیدنظرخواهی تجدیدنظرخواه، بیان می‌کند: «آن‌چنان‌که ضمن تأکید و تجویز نظام حقوقی اسلام در اسناد داخلی از جمله اصول ۲۰، ۲۲ و ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». با مراجعه به اصول مزبور ارجحیتی در مقایسه با مدعای خواننده تجدیدنظر دیده نمی‌شود. آن‌جایی که اصل ۲۰ بیان می‌کند؛ «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». آیا حمایت مذکور دلالت بر مدعای شعبه تجدیدنظر دارد یا رعایت موازین اسلامی با کلی‌گویی و اطلاق که دادنامه بدان اشاره کرده سازگار است؟ اصل ۲۲ و ۲۸ نیز همین‌طورند که هیچ دلالتی بر این ندارند که چون زوجه در پرونده مورد مناقشه حق پیدا کرده تا در محل مدنظرش به اشتغال خویش ادامه دهد، پس این حکم به استناد اصول مذکور صادر شده است، بلکه اتفاقاً اگر زوجه این حق را در این‌جا پیدا می‌کند بنا بر ناتوانی زوج در اثبات ادعای خویش است نه بنا بر دلالت اصول یادشده بر حق انتخاب محل اشتغال بدون تأمین نظر زوج.

۲.۲. ادله ناظر به حقوق خانواده و مدعیات خواهان

دادگاه این نکته را که زوجه با کارفرما رابطه‌ی فامیلی (نسبی) داشته و در محل کار زنان دیگری هم شاغل بوده‌اند را زیربنای رد ادعای زوج در مورد مردانه بودن محیط کار زوجه می‌داند. حال آن‌که از جهتی این بیان ابهام دارد و آن این‌که آیا شاغل بودن زنان دیگر در آن محل به معنای نبود آقایان در آن‌جاست یا این‌که محیط هم‌چنان محل رجوع مردان برای انجام کارهای مربوط به معاینه فنی خودرو است که به نظر می‌رسد قسم اخیر باشد که در این صورت هم‌چنان ادعای زوج مبنی بر مردانه بودن محل کار زوجه صادق است. و دیگر این‌که در مورد رابطه

نسبی تصریح نشده است که آیا رابطه نسبی از محارم (پدر و برادر) است و یا این که از غیر محارم؟ که در صورت اثبات قسم اول خلاف حیثیت اجتماعی بودن اشتغال در آن محل رنگ می‌بازد ولی در صورت اثبات شق دوم هنوز ادعای زوجه پابرجا می‌ماند. پس ادعای زوج در این قسم علی‌رغم تحقیقات معموله مراجع انتظامی باقی می‌ماند، و حداکثر بتوان از طریق عدم ارائه مدارک مبنی بر عدم انجام تکالیف مقرر و مندرج در ۱۱۰۲ و ۱۱۰۴ قانون مدنی ادعای وی را رد کرد.

نتیجه

رهاورد ادله‌ای که بیان آن‌ها به اختصار گذشت، می‌تواند فضای نظام قضایی کشور در خصوص دعاوی مربوط به خانواده را متوجه این نکته سازد که با وجود قبول معاهدات و اسناد بین‌المللی از سوی دولت در مجامع بین‌المللی که در کیفیت صورت قانون یافتن آن‌ها بحث و اختلاف است، قابلیت استناد بدان‌ها و شیوه‌ی تفسیر آن‌ها و از همه مهم‌تر ضرورت و مفید فایده بودن این استنادات باید مدنظر قرار گیرد و قبل از استناداتی این‌چنینی، باید این سوال را مطرح کرد که اساساً غنای قوانین و مقررات داخلی در زمینه‌ای همچون حقوق خانواده جایی برای استناد به ادله‌ی ورا و فرای نظام حقوق داخلی را می‌دهد؟ بدیهی است وفق آنچه در این مقاله ذکر آن گذشت، ضرورتی برای استناد به قوانین فراداخلی (بین‌المللی) در این‌گونه موارد وجود ندارد. البته همان‌طور که گفته شد صحت استناد، تنها در صورت یکسان بودن گزاره حقوق داخلی با حقوق بین‌المللی در مورد حکم و به عبارتی موید بودن مفاد معاهدات برای قوانین داخلی است.

منابع

- نظری، ایراندخت (۱۳۸۶)، مقررات مربوط به خانواده در قانون مدنی ایران، فقه و حقوق خانواده، شماره ۳۷.
- غفاری، هدی (۱۳۹۱)، نسبت میان حاکمیت شرع و حاکمیت قانون در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش حقوق، شماره ۳۶.
- فلسفی، هدایت‌الله، (۱۳۷۳)، اجرای مقررات حقوق بین‌الملل، تحقیقات حقوقی، شماره ۱۳-۱۴.
- ایزدی، علی، (۱۳۹۴)، نگاهی تطبیقی به اجرای حقوق بین‌الملل در محاکم ملی، مطالعات حقوق عمومی، شماره ۳.
- هاشمی، حمید (۱۳۸۸)، اجرای تعهدات بین‌المللی در نظام قضایی ایران: محدودیت‌ها، ظرفیت‌ها، پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۵.
- خمایی زاده، فرهاد (۱۳۸۹)، «تفسیر و اجرای معاهده در حقوق داخلی»، حقوق خصوصی، شماره ۱۶.
- زمانی، قاسم (۱۳۹۷)، گزارش میزگرد تخصصی تحلیل آرای صادره از محاکم دادگستری با استناد به اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهیه و تنظیم: کیوان اقبالی، ناظر: دکتر توکل حبیب‌زاده، پژوهشکده حقوق عمومی و بین‌الملل (گروه حقوق بین‌الملل و حقوق بشر)، پژوهشگاه قوه قضائیه
- Trienbach Melanie, op.cit.; Vázquez, Carlos Manuel, "The Four Doctrines of Self-Executing Treaties", Georgetown Law Faculty Publications and Other Works, 1016 , 89 Am. J. Int'l L. 695-723 (1995), p. 695, available at: <https://scholarship.law.georgetown.edu/facpub/1016>